



مرحله دوم:



قیامت بازپرداخت اعمال

دکتر سید محسن میر باقری، مدرس دانشگاه فرهنگیان

چگونگی بازپرداخت اعمال

نکات زیر درباره چگونگی بازپرداخت اعمال در خور تأمل است:

(الف) در پاره‌ای از آیات قرآن، از دریافت جزای اعمال سخن رفته است؛ مانند: «کل نفس ذائقه الموت و انما توفون اجور کم یوم القيامة فمن زحزح عن النار ودخل الجنة فقد فاز و ما الحياة الدنيا إلا متع الغرور» (آل عمران/ ۸۵)؛ همه مردم طعم مرگ را خواهند چشید و جز این نیست که شما سزای کردار خود را در روز قیامت دریافت می‌کنید. پس هر کس از آتش دوزخ رها شود و در بهشت برین وارد شود، از بلا رسته است. زندگی دنیا تنها توشیه‌ای پرفرب است.

«نما يوфи الصابرون اجرهم بغير حساب» (زمرا/ ۱۰)؛ جز این نیست که صابران و شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب و کتاب دریافت می‌کنند.

(ب) در برخی آیات از دریافت خود اعمال سخن به میان آمده است، مانند آیه ۷۰ سوره زمر که پیش‌تر بدان اشاره شد و این که می‌فرماید: «فَكَيْفَ يُبَشِّرُ بَنَانِ اشْهَادَ شَدَّ وَ اِيْنَ كَهْ مَىْ فَرَمَىْدَ»؛ اگرچه لیکن لا ریب فیه و وفیت کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون» (آل عمران/ ۲۵)؛ حال آنان چهسان خواهد بود، چون همه آن‌ها را در روز جمع‌آوری، که تردیدی در آن نیست، گردآوریم و هر کس هر چه را کسب کرده است دریافت می‌کند و به آنان ستم نخواهد شد.

باتوجه به آیات بالا درمی‌یابیم که در روز قیامت، پس از انجام داوری و رسیدگی به اعمال، هم اعمال آدمیان و هم پاداش آن اعمال را به آن‌ها بازمی‌گردانند.

اشاره

حوادث مرحله دوم قیامت بیانگر صحنه دادگاه قیامت است. پس از حضور همه انسان‌ها و روشن شدن زمین و قرار دادن کتاب کلی و کتاب محاسبات، پیامبران و شاهدان حاضر می‌شوند و قضاؤت بر حق در محضر آن‌ها انجام می‌شود. البته باید گفت، در صحنه قیامت هرگز ظلمی وجود ندارد؛ یعنی حتی به اندازه سر سوزنی هم مجازات، بیشتر از عمل نخواهد بود، ولی بخشش، عفو، گذشت، رحمت و عنایات خدا بسیار است و شفاعت نیز خود، دری از درهای رحمت الهی است. سپس پرونده را به فرد برمی‌گردانند تا برای روانه شدن به سوی جایگاه ابدی خود، یعنی بهشت یا جهنم، آماده شود.

در این مقاله، درباره آخرین اتفاقاتی که در صحنه قیامت رخ می‌دهند سخن خواهیم گفت.

کلیدواژه‌ها: قیامت، اعمال، تقوا، ایمان، عمل صالح، احباط و تکفیر

بازپرداخت اعمال

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ وَفِيتْ كَلَّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ» (زمرا/ ۷۰)؛ هر کس هر آنچه را عمل کرده است به تمام و کمال دریافت می‌کند و خدای رحمان به آنچه آن‌ها عمل می‌کرندند داناتر است.

فرمودند: «نماز شب مؤمن، گناهان روز او را ناپدید می‌کند». البته قرآن کریم نیز به این نکته اشاره کرده است: «و اقم الصلاة طرفی النهار و زلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكرى خاتمه روز، نماز [صحيح و مغرب] را بربار دار و در پاره‌های آغاز شب نیز [نماز عشا را ادا کن]. به یقین کارهای نیک [و نماز] بدی‌ها را ناپدید خواهد کرد؛ این تذکری بود برای آنان که اهل توجه‌اند.

با توجه به آیه ۳۱ سوره نساء که ذکر شد، بدی‌ها در برابر گناهان کبیره قرار می‌گیرند و شامل رفتارهای ناپسند جزئی و کوچک می‌شوند. البته بنا بر روایات، اصرار و پافشاری در گناهان صغیره خود گاهه کبیره است. در پاره‌های از روایات آمده است: مأمور ثبت نیکی‌ها، که در سمت راست انسان نشسته است، بر مأمور ثبت چپ برتری دارد و هنگامی که از مؤمن گناهی سر زند، از او می‌خواهد بایگانی آن را به تأخیر اندازد تا شاید وی توبه کند یا کاری انجام دهد که خداوند خطای او را ببخشد (الكافی، ج ۲: ۴۳۰) و بسیاری عبارات دیگر.

ب) گناهانی که پس از ثبت بخشووده و از پرونده ناپدید می‌شوند. این امر دلایلی دارد که از آن جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

دلایل ثبت نشدن گناهان در پرونده اعمال

۱. توبه

خدای رحمان می‌فرماید: «وانی لغفار لمن تاب و امن و عمل صالحًا ثم اهتدی» (طه: ۸۲/۲): من هماره غفار و بخشاینده‌ام، اما برای کسی که از خطای خود بازگردد و ایمان بیاورد و کار شایسته به جا آورد و پس از تحصیل این شرایط در راه خدا گام گذارد.

۲. تقو

«يا ايها الذين آمنوا ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا و يكفر عنكم سيئاتكم و يغفر لكم و الله ذو الفضل العظيم» (انفال: ۲۹/۲۹): ای اهل ایمان، اگر شما در پیشگاه خدا تقو پیشه کنید، خدای رحمان تشخیص و بصیرت شما را بالا می‌برد تا

ج) بازگرداندن اعمال باید به صورت بازگرداندن پرونده اعمال باشد که ریز و درشت کارها را دربردارد. بدین صورت که کتاب اعمال، که برای محاسبه باز و منتشر شده بود، دوباره بسته می‌شود و به گردن انسان الصاق می‌گردد و پس از آن همواره با او خواهد بود. یعنی کسانی که به جهنم می‌روند، همه گناهانشان را هم با خود می‌برند و کسانی که به بهشت رضوان راه می‌یابند، سند افتخار خود را همیشه با خود خواهند داشت.

(د) خداوند در بیان این آیه می‌فرماید: «و هو اعلم بما يفعلون» (زمرا: ۷۰); و اوبه آنچه می‌کنند داناتر است.

يعنى با آنکه اعمال آدمیان را به آن‌ها باز می‌گردانند، اما علم الهی به اعمال آن‌ها از محتوای پرونده آن‌ها بالاتر است و این روشن است. زیرا مجموعه‌ای از اعمال ممکن است در پرونده ضبط نشده باشند، یا پس از ضبط به دلیلی ناپدید شده باشند. قرآن کریم این نکته را با عنوان «احباط» و «تكفیر» یادآور شده است.

احباط و تکفیر

تکفیر

واژه «تکفیر» از «کفر» به معنای ستر و بوشاندن گرفته شده است. به زارع هم در لغت کافر گفته شده است، چون دانه را زیر خاک پنهان می‌سازد و کافر در مقابل مؤمن، به معنای کسی است که حق را می‌بوشاند!.

منظور از تکفیر آن است که خدای رحمان در مواردی گناهان اهل ایمان را می‌بوشاند و آن‌ها را از پرونده آشان ناپدید می‌کند. تکفیر به صورت‌های زیر ممکن است انجام شود:

(الف) بدی‌هایی که پیش از ثبت بخشووده می‌شوند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «ان تجتنبوا كباير ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم و ندخلكم مدخلًا كريما» (نساء: ۳۱/۳۱): اگر شما از گناهان کبیره‌ای که نهیتان می‌کنیم، دست بردارید، بدی‌هایتان را نادیده می‌گیریم و شما را با احترام و کرامت در بهشت وارد می‌کنیم.

در روایات اهل‌بیت (علیهم السلام)، عبادات نیز موجب پوشش بدی‌ها ذکر شده‌اند و به گونه‌ای ویژه در باره نماز بر این امر تأکید شده است:

عن ابی عبدالله (عليه السلام) فی قول الله عز و جل: «ان الحسنات يذهبن السيئات»: قال: صلاة المؤمن بالليل تذهب بما عمل من ذنب بالنهار. امام صادق (عليه السلام) در باره این عبارت قرآنی که «نیکی‌ها بدی‌ها را ناپدید می‌کند»

کسانی که
به جهنم
می‌روند، همه
گناهانشان
را هم با خود
می‌برند و
کسانی که به
بهشت رضوان
راه می‌یابند،
سند افتخار
خود را همیشه
با خود خواهند
داشت

می‌کنم که در این شب و در این لحظه هر جرمی را که مرتکب شده‌ام، ... و هر بدی را که فرشتگان گران قدری را برای ثبت آن مأمور کرده‌ام، بر من بیخشایی. کسانی که آن‌ها را بر حفظ آنچه از من صادر می‌شود، مأمور کردی و آنان را شاهد بر من و جوارح من گرداندی و تو خود از ورای آنان بر من مراقب بودی و بر آنچه از آنان مخفی نگه داشتی، خود شاهد بودی، ولی به رحمت آن را مخفی کردی و از سر فضل و لطف پوشیده داشتی.

احباط

همان‌گونه که گناهان و بدی‌ها تکفیر دارند و بخشیده یا پوشیده می‌شوند، اعمال نیک هم احباط دارند. «حبط» در لغت به معنای باطل و نابود شدن است؛ چنانکه گفته می‌شود: «احبط الله عمل الكافرين» خدا عمل کافران را پوچ می‌کند.

متکلمان درباره جواز و منبع احباط آرای متفاوتی دارند.

معترضه درباره احباط می‌گویند: موضوع احباط، کسی است که در پرونده‌ای دو نوع عمل نیک و بد وجود دارد. در این صورت، با توجه به اینکه پاداش و کیفر الهی همیشگی است، سرنوشت چنین انسانی بدین‌گونه خواهد بود که عمل نیک اندک او محکوم عمل زشت زیاد خواهد شد. ابوعلی و ابوهاشم جبائیان از طرفداران این دیدگاه هستند. (سبحانی) هر چند برخی متکلمان با این دیدگاه معتبره مخالفت کرده‌اند، ولی تمام مکاتب کلامی، احباط را به صورت جزئی پذیرفته‌اند (همان، ۲۷۵).

موارد احباط در قرآن کریم

قرآن کریم درباره برخی از گناهان تصریح می‌کند که این گناهان موجب حبط اعمال می‌شوند که از جمله آن‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. ارتداد پس از ایمان

«و من يرتد منكم عن دينه فيميت وهو كافر فأولئك حبطة اعمالهم في الدنيا والآخرة وأولئك أصحاب النار هم فيها خالدون» (بقره/ ۲۱۷) و هر کدام از شما که از دین خود بازگردد و در حال کفر بمیرد، طاعات او در دنیا و آخرت توفیق می‌شود و از دوزخیان اند که در آن جاودانه خواهند بود.

۲. شرك مقارن با عمل

«ما كان للمسركين أن يعمروا مساجد الله شاهدين على أنفسهم بالكفر أولئك حبطة اعمالهم و في النار هم خالدون»: (توبه/ ۱۷) مشرکان را نمی‌رسد که آبادی و تولیت مساجد را برعهده گیرند با آنکه به

میان حق و باطل تمیز بگذارید و سود و زیان خود را بشناسید. علاوه بر آن، بدی‌های شما را از پرونده اعمالتان ناپدید می‌کند و گناهان شما را می‌آمرزد. خداوند جهان فضی عظیم دارد.

۳. ایمان و عمل صالح

قرآن کریم کفر را موجب از بین رفتان اعمال و ایمان را موجب ناپدید شدن بدی‌ها معرفی می‌کند: «الذين كفروا و صدوا عن سبيل الله اضل اعمالهم * والذين آمنوا و عملوا الصالحات و آمنوا بما نزل على محمد و هو الحق من ربهم كفر عنهم سينائهم و اصلاح بالله» (محمد/ ۱ و ۲): آن‌هایی که کفر بورزند و راه خدا را بینند، خداوند کردار و اعمالشان را بر باد دهد» و آنان که ایمان آورند و کارهای شایسته به جا آورند و به قرآنی که بر محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شده است، ایمان آورند، که آن قرآن درست و بحق است و از پیشگاه پروردگارشان نازل شده است، بدی‌های اعمالشان را از پرونده اعمالشان زدوده و موقعیت آنان را اصلاح می‌کند.

ایمان بر آنچه بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شده است، شامل همه حقایق قرآن کریم، اعم از احکام حلال و حرام و مبانی معرفتی و از جمله ایمان به ولایت الله است که در قالب امامت امامان اهل بیت (علیهم السلام) تجلی یافته است؛ همان امامتی که قرآن کریم درباره آن به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است:

«يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس ان الله لا يهدى القوم الكافرين» (مائده/ ۶۷): ای رسول ما، آن

مطلوبی را که [با ذکر یک نشانی درباره نخستین مولای مؤمنان، که بعد از تو باید بر مسنده رهبری بنشینید] از تاحیة پروردگارت بر تو نازل شد، به مردم ابلاغ کن، که اگر چنین نکنی، چنان خواهد بود که رسالتش را ابلاغ نکرده باشی و خداوند رحمان تو را از شر مخالفان ورزند، در شمار کافران خواهند بود] و خداوند رحمان پناه خواهد داد؛ [کسانی که با این معرفی تو مخالفت مردمان کافر را هدایت خواهد کرد.]

به هر حال، مجموعه‌ای از بدی‌های مؤمنان ثبت نمی‌شوند و حتی پارهای از آن‌ها از فرشتگان مأمور هم پوشانده می‌شوند؛ چنانکه در دعای کمیل می‌خوانیم: «ان تهبت لى فى هذه الليلة و فى هذه الساعة كل جرم اجرمه ... و كل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وکلتھم بحفظ ما يكون مني و جعلتھم شهودا على مع جوارحى و كنت انت الرقيب على من ورائهم الشاهد لما خفى عنهم و برحمتك اخفيتها وبفضلك سترته»: خدایا، از تو درخواست

**همان‌گونه که
گناهان و بدی‌ها
تکفیر دارند
و بخشیده یا
پوشیده می‌شوند،
اعمال نیک هم
احباط دارند.
«حبط» در لغت
به معنای باطل
و نابود شدن
است؛ چنانکه
گفته می‌شود:
«احبط الله عمل
الكافرين» خدا
عمل کافران را
پوچ می‌کند**

۱۴۷) کسانی که آیات [کتاب آسمانی] ما و دیدار روز قیامت را تکذیب کنند، اعمال نیکشان توفیق می‌شود. آیا اینان جز به کردار بدفع جام خود سزا می‌بینند؟

رانده شدن به سوی بهشت و جهنم
پس از محاسبه اعمال و داوری و باز پرداخت اعمال، آخرین امری که برآساس آیات آخر سوره مبارکه زمر در صحنه قیامت برای افراد بشر، رخ می‌دهد، این است که کفار را به سوی جهنم و اهل تقوا را به سوی بهشت رضوان می‌رانند.

البته پیش از رانده شدن به سوی بهشت و جهنم، اهل تقوا به سمت راست صحنه محشر هدایت می‌شوند و کافران به سمت چپ کشانده می‌شوند تا از آنجا روانه جایگاه همیشگی خویش گردند و گویا در همین مسیر است که اهل تقوا باید از بلندی‌های اعراف عبور کنند.

شرك و كفر خود اعتراف دارند. اعمال اين مشركان توفيق می‌شود و در آتش دوزخ جاودانه خواهند ماند.

۳. ناخوشابندی از فرامین الهی

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسَلُهُمْ وَأَضْلُلُ أَعْمَالَهُمْ» (محمد/۸ و ۹) و آنان که اهل کفرند، شکسته باز قدمهایشان و خداوند اعمال آن‌ها را نابود می‌سازد * این سزا بدان جهت است که آن‌ها از فرمان آسمانی کراحت خاطر دارند و از این‌رو خدا رحمان اعمالشان را حبط می‌کند.

۴. در افتادن با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

«لَنِّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقَوْا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهَدَى لَنِّ يَضْرِبُوا اللَّهَ شَيْئاً وَسِيَحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ» (محمد/۳۲) کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند و پس از آنکه راه هدایت برآیشان روشن شد، با رسول خدا به ستیز آمدند، هرگز به خدای رحمان زیانی نمی‌رسانند و خدای رحمان اعمال آنان را حبط خواهد کرد.

۵. رعایت نکردن ادب و در محضر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

«يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ امْنَوْا لَا تَرْفَعُوا أَصواتَكُمْ فَوْقَ صوت النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِعَصْبَعِهِنَّ تَحْبِطُ أَعْمَالَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (حجرات/۲) ای اهل ایمان، صدای خود را فراتر از صدای پیامبر بلند مکنید و آنسان که با یکدیگر با داد و فریاد سخن می‌گویند، بار رسول خدا سخن مگویند، که اعمال شما توفیق شود و شما خود بی خبر بمانید.

۶. دنیا محوی

«مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نَوْفَ الْيَهِيمِ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يَبْخَسُونَ * اولنک الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا سَارَ وَحْبَطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (هود/۱۶ و ۱۵): هر کس همواره زندگی دنیا و تحمل آن را بخواهد، در همین دنیا اعمال آنان را بی کم و کاست بدان‌ها می‌دهیم و حق آسان ضایع نخواهد شد. اینان اند که در آخرت جز آتش دوزخ بهره‌ای ندارند. و آنچه در این جهان انجام داده‌اند از بین می‌رود و دستاورد آن‌ها باطل و بی‌اثر خواهد بود.

۷. انکار نبوت و آخرت

«وَالَّذِينَ كَدَبُوا بِإِيمَانِنَا وَلِقَاءَ الْآخِرَةِ حَبْطَتْ أَعْمَالَهُمْ هُلْ يَجزُونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف/۱۳۰۸)

پی‌نوشت‌ها

- قرآن کریم می‌فرماید: «عجب الکفار نباته» (حیدر/۲۰)، رویش گیاه زمین، زارعان را خشنود می‌کند، ۳۲۵، نساهه ۳۲۴.
- نورالشقین، ج ۳، ص ۲۶۶، به نقل از کافی: ج ۳، ح ۱۰.
- برای تفصیل بیشتر درباره این آیه به تفاسیر و روایات اهل بیت مراجعه کنید.
- قاموس قرآن، ذیل واژه «عرف».
- ر.ک: تفسیر صافی، ذیل آیه ۴۶ سوره اعراف.

منبع

- جعفر سبحانی، معاد انسان و جهان، (۱۳۰۸)، مجله مکتب اسلام.